

فرهنگ‌یگان

د

شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۴
شماره ۴۵۶۰ فآرخیگ‌تِگان
FARHIKHTEGANDAILY.COM
فآرخیگ‌تِگان‌انلاین



پدیده‌سقط جنین در ایران سال‌هاست در خلأ آمار دقیق، سیاست‌گذاری شفاف و اجماع کارشناسی سرگردان مانده‌است. تقریباً هیچ حوزهٔ اجتماعی دیگری رانمی‌توان یافت که چنین حجم حیرت‌انگیزی از ارقام نامتجانس و روایت‌های متناقض دربارهٔ آن منتشر شده باشد. موضوع سقط جنین، در حالی که هم‌زمان با اخلاق، فقه، سلامت، سیاست‌های جمعیتی، فرهنگ و حتی اقتصاد خانوار گره خورده، در یک فضای معالُود از داده‌های ناقص، تخمینی و متضاد حرکت می‌کند. فضایی که عملاً هرگونه توان برنام‌ریزی مؤثر را از نهادهای سیاست‌گذار می‌گیرد و جامعه را میان روایت‌های هیجانی، هشدارهای بعضاً غیرمستند و تحلیل‌های ناپیوسته‌ها می‌کند.

اختلاف‌میان آمارهای رسمی وزارت بهداشت و نتایج پژوهش‌های ملی با اظهارنظرهای مسئولان سابق و فعلی آن‌قدر گسترده است که حتی امکان تشخیص نقطه شروع بحث نیز دشوار شده‌است. به‌عنوان نمونه مقایسهٔ آمار اعلامی وزارت بهداشت با پژوهش ملی سقط‌جنین که بر پایه نمونه‌گیری سراسری و استاندارد انجام شده، بیش از ۱۰ برابر اختلاف را نشان می‌دهد. همین اختلاف ساده اما بنیادی، نخستین نشانه از بحرانی است که آمار سقط‌جنین در ایران با آن روبه‌روست: فقدان نظام ثبت یکپارچه، قابل اعتماد و الزام‌آور. البته شاید بتوان این‌طور در نظر گرفت که آمار وزارت بهداشت صرفاً شامل سقط‌هایی است که در بیمارستان‌ها رخ می‌دهند و به‌صورت رسمی ثبت می‌شوند؛ در حالی که بخش عظیمی از واقعیت بیرون از بیمارستان اتفاق می‌افتد. دکتر رضا سعیدی، سرپرست مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت، در یک نشست خبری گفته بود: «بین ۶۳ تا ۷۳ درصد سقط‌ها در منزل و حدود ۳۰ درصد در مراکز غیررسمی انجام می‌شود و تنها پنج درصد در بیمارستان‌ها ثبت می‌شود.» اگر چنین داده‌ای را بپذیریم، نتیجهٔ آن استس که اساساً ساختار آماری رسمی، فقط یک پوسته کوچک از مسئله را نشان می‌دهد. سقط‌های انجام‌شده در خانه، عمدتاً با استفاده از داروهای دست‌به‌دست‌شده، نسخه‌های غیررسمی، مشاوره‌های اینترنتی یا شبکه‌های زیرزمینی، در هیچ سامانه‌ای ثبت نمی‌شوند و عملاً امکان نظارت، مداخله و حتی پایش حداقلی نیز از میان می‌رود. اما آمارهای پژوهش ملی نیز پرسش‌های خود را دارند. هر چند این مطالعه با حجم نمونهٔ ۱۶ هزار و ۴۴۴ زن از ۳۱ استان و باروش‌های معتبر آماری انجام‌شده؛ اما همچنان به واسطه روش‌های تلفیقی، محدودیت‌های فرهنگی و دشواری اقرار به سقط، با درجاتی از عدم قطعیت مواجه‌است.
باین حال، دست کم چهارچوب علمی مشخصی دارد و براساس همین چهارچوب، برآورد کرده‌است که از میان ۲۲۸ هزار و ۸۷۱ سقط در سال، ۳۸۹ هزار مورد خودبه‌خودی، ۲۵۴ هزار مورد عمدی، نزدیک به ۵۸ هزار مورد پزشکی و حدود ۷ هزار مورد ناشی از حادثه بوده‌است. تقسیم‌بندی دقیق این داده‌ها نشان می‌دهد تصویری سقط‌جنین به‌هیچ‌وجه تک‌بعدی نیست و مجموعه‌ای از عوامل زیستی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن دخیل هستند.
باین حال، تناقض میان روایت‌ها، به‌قدری به چشم می‌آید که باید به سراغش برویم و ببینیم چرا هیچ‌کس نمی‌داند سالانه چندجنین در ایران سقطمی‌شوند؟

پژوهش‌ها روایت وزارت بهداشت را به چالش می‌کشند

رضا سعیدی، سرپرست مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت اعلام کرد حدود ۳۶ هزار و ۸۱۹ مورد سقط‌جنین در کشور ثبت‌شده‌است و نکته قابل توجه این است که تنها ۳۳۶ مورد از این تعداد در بیمارستان‌ها انجام‌شده‌اند. او همچنین تأکید کرده بود بخش عمده‌ای از سقط‌ها خارج از بیمارستان‌ها و غالباً در منزل رخ می‌دهد. محمداسماعیل اکبری، رئیس پژوهشکده سرطان دانشگاه، با ارائه نتایج مطالعه ملی سقط‌جنین، آمار وزارت بهداشت را به چالش می‌کشد و می‌گوید: «این عنوان فیلمی بود که روز گذشته در فضای مجازی و کانال‌های خبری دست به دست شد. تصاویر اگرچه تصاویر دلخراشی نبود؛ اما به‌وضوح، بی‌دفاعی افرادی را نشان می‌داد که وظیفه‌شان حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌های کشور است. شهرپورماه امسال یعنی همین دو ماه گذشته نیز متصرفین اراضی ملی به پاسگاه منابع طبیعی در اسالم حمله کردند و در این حمله دو تن از مأموران یگان حفاظت منابع طبیعی آسیب دیدند. با وجود اینکه آمار تجمع‌شده و رسمی در این باره در دسترس نیست؛ اما آمارهای غیررسمی می‌گوید که از ابتدای امسال تا به امروز حداقل ۳ حمله مسلحانه به یگان حفاظت منابع طبیعی و جنگلبانان در جنگل‌های شمال کشور صورت گرفته‌است. این حملات عمدتاً توسط قاچاقچیان چوب یا متصرفان اراضی ملی صورت می‌گیرد.

«حمله با داس و تبر به جنگلبان آملی» این‌عنوان فیلمی بود که روز گذشته در فضای مجازی و کانال‌های خبری دست به دست شد. تصاویر اگرچه تصاویر دلخراشی نبود؛ اما به‌وضوح، بی‌دفاعی افرادی را نشان می‌داد که وظیفه‌شان حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌های کشور است. شهرپورماه امسال یعنی همین دو ماه گذشته نیز متصرفین اراضی ملی به پاسگاه منابع طبیعی در اسالم حمله کردند و در این حمله دو تن از مأموران یگان حفاظت منابع طبیعی آسیب دیدند. با وجود اینکه آمار تجمع‌شده و رسمی در این باره در دسترس نیست؛ اما آمارهای غیررسمی می‌گوید که از ابتدای امسال تا به امروز حداقل ۳ حمله مسلحانه به یگان حفاظت منابع طبیعی و جنگلبانان در جنگل‌های شمال کشور صورت گرفته‌است. این حملات عمدتاً توسط قاچاقچیان چوب یا متصرفان اراضی ملی صورت می‌گیرد.

در ۵ سال گذشته ۲ جنگلبان کشته شدند

یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری کشور از سال ۱۳۸۴ با حکم رهبر انقلاب و تصویب سند استاد کل نیروهای مسلح تشکیل شد و طبق آخرین آمار رسمی اعلام شده ۲۲ نفر از نیروهای این یگان در درگیری‌ها و حوادث مختلف به‌شهادت رسیده‌اند. همچنین در این مدت ۱۵ نفر از نیروهای داوطلب، مردمی و همیار منابع طبیعی نیز در راه حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی جان خود

وقتی بدون اطلاعات دقیق سیاست گذاری می کنیم

اختلاف ۲۰۰۰ درصدی در آمار سقط جنین

مفتاوتی را ارائه کرد که شاید بتوان گفت تنها آمار دقیق در دسترس است. بر اساس این پژوهش که جامع‌ترین مطالعه در سطح کشور محسوب می‌شود و شامل ۱۶ هزار و ۴۴۴ زن تا ۴۹ ساله در ۳۱ استان ایران بود، تعداد سقط‌های رخ داده در سال گذشته حدود ۲۲۸ هزار و ۸۷۱ مورد برآورد شده‌است؛ یعنی تقریباً هر ۹۰ ثانیه یک جنین در ایران سقط می‌شود. این تعداد شامل سقط خودبه‌خودی، قانونی و عمدی است و نسبت سقط به موالید زنده ۰٫۰۶۹ درصد گزارش شده‌است. البته تقسیم‌بندی این سقط‌ها به‌خودی‌خود جالب است و زاویه دید متفاوتی به مخاطب می‌دهد:

- خودبه‌خودی: ۳۸۹ هزار و ۷۳۵ سقط (۵۳٫۵ درصد)**
- عمدی (جنایی): ۲۵۴ هزار و ۱۵۳ سقط (۹٫۷ درصد)**
- پزشکی: ۵۷ هزار و ۶۹۹ (۷٫۹ درصد)**
- بر اثر حادثه: ۷ هزار و ۳۵ سقط (یک درصد)**
- نا معلوم: ۱۹ هزار و ۲۴۸ سقط (۲٫۷ درصد)**

وقتی این ارقام را با داده‌های وزارت بهداشت و دیگر آمارهای مسئولان مقایسه می‌کنیم، تناقض‌ها آشکار می‌شود. وزارت بهداشت در شش ماه اول فقط ۳۶ هزار و ۸۱۹ مورد را ثبت کرده، در حالی که پژوهش ملی برای همان بازه سالانه حدود ۷۰ هزار مورد برآورد کرده‌است که چیزی نزدیک به ۲۰ برابر آمار داده‌شده‌است. حتی اگر با توجه به شش ماهه بودن آمار امسال نصف آمار پژوهش را در نظر بگیریم، تفاوت ۱۰ برابری به چشم می‌آید و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا سیاست‌های جمعیتی آن‌قدر موفق بوده که طی این مدت زمان کوتاه این تفاوت چشمگیر را رقم بزند؟

مرجعیت آماری را از هم می‌پاشند

این اختلاف میان روایت رسمی و علمی زمانی پیچیده‌تر می‌شود که به آمارهای مسئولان در سال‌های گذشته نگاه کنیم. در سال ۱۳۹۸، برخی منابع دولتی و علمی از سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار سقط‌جنین خبر دادند؛ رقمی که با گفته‌های محمدمهدی آخوندی، رئیس انجمن علمی جنین‌شناسی ایران که از احتمال ۷۰۰ هزار سقط‌سخن گفته بود، فاصله چندانی ندارد. در همان سال باقر لاریجانی آمار سالانه ۴۵۰ هزار سقط را اعلام کرد.عباس مسیح‌بندی، رئیس سازمان پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۷ گفته بود ۱۲ هزار پرونده برای سقط‌درمانی ارجاع شده که ۹۷۰۰ مورد آن به‌صود مجوز رسمی منجر شده‌است. در کنار این داده‌رسمی محدود، او از وجود حداقل ۱۲ هزار سقط غیرقانونی خبر داد؛ رقمی که با برآوردهای دیگر مسئولان تفاوت فاحش داشت. همین ناهماهنگی در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نیز تکرار شد. صالح قاسمی، دبیر مرکز مطالعات جمعیت، از آمار ۳۷۰ تا ۵۳۰ هزار مورد سقط‌سخن گفت، در حالی که فاطمه محملبیگی، نماینده وقت مجلس، آمار بین ۲۵۰ تا ۶۵۰ هزار سقط را اعلام کرد. همچنین صدیقه خنطوش‌زاده، رئیس پژوهشکده سلامت این آمار را روزانه ۱۲۰۰ سقط (سالانه ۴۳۸ هزار) عنوان کرد. این درحالی است که امیرحسین بانکی‌پور، نماینده مجلس شورای اسلامی از روزانه ۲۰۰۰ سقط (سالانه ۷۳۰ هزار) خبر داده بود. محسن ذاکرانی نیز تعداد سقط‌های غیرقانونی در سال را ۳۰۰ هزار سقط اعلام کرده بود، در حالی که در همان سال انسیه کاتچی، معاون ستاد ملی جمعیت مدعی بود آمار سالانه ۵۳۰ هزار سقط غیرقانونی و حدود ۱۰ هزار سقط قانونی درست است. صابر جابری، رئیس مرکز جوانی جمعیت نیز سال ۱۴۰۳ رقم ۱۰۰۰ سقط روزانه را مطرح کرد؛ یعنی حدود ۳۶۰ هزار مورد در سال. در میان تمام این تناقضات، مدیرکل نظارت وزارت بهداشت در همان سال گفته بودند نمی‌توان به هیچ‌یک از این اعداد استناد کرد؛ زیرا «فرمول‌های موجود برای قابل اطمینان هستند.»

آمار ۵۳ درصد سقط خودبه‌خودی در میان اعداد نجومی کم می‌شود!

این نشست آماری، پرسشی جدی ایجاد می‌کند: کدام نهاد باید مرجع نهایی آمار

سقط‌جنین باشد؟ در شرایطی که وزارت بهداشت فقط بخش کوچکی از واقعیت را ثبت می‌کند، پژوهش‌های علمی زیر فشار سیاسی یا فرهنگی قرار دارند، مسئولان بدون‌سند مشخص عده‌های نجومی اعلام می‌کنند و فضای رسانه‌ای نیز تشنه آمارهای تکان‌دهنده است، جامعه با انبوهی از روایت‌های متضاد مواجه می‌شود که نه‌تنها حقیقت را روشن نمی‌کنند، بلکه در عمل به بی‌اعتمادی اجتماعی دامن می‌زنند. مشکل فقط ناهماهنگی نیست، بلکه گستره اعداد مطرح‌شده نیز از نظر جمعیتی غیر منطقی است. اگر ادعای هر ۳۰ ثانیه یک سقط را بپذیریم، سالانه بیش از یک میلیون سقط انجام می‌شود؛ رقمی که تقریباً با تعداد کل تولدهای سال ۱۴۰۳ برابر است. ایران در سال‌های اخیر کمتر از یک میلیون تولد داشته‌است. چگونه می‌توان پذیرفت در جامعه‌ای با ساختار فرهنگی خانواده‌محور، با هنجارهای مذهبی قوی و با هزینه‌های اقتصادی، روانی و حتی قانونی سنگین، تعداد سقط‌ها برابر کل تولد‌ها باشد؟ کافی است این رقم را با کشورهای غربی مقایسه کنیم؛ جایی که دسترسی به سقط‌جنین قانونی، آزاد و رایگان است. آمریکا با جمعیت ۳۳۰ میلیون در سال ۲۰۲۰ حدود ۹۳۰ هزار سقط ثبت کرده‌است. انگلستان با ۵۵ میلیون جمعیت در نیم‌سال اول ۲۰۲۲ حدود ۱۲۳ هزار سقط داشته‌است. مقایسه‌ای ساده‌نشان می‌دهد آمارهای چندصد هزارنفری مطرح‌شده در ایران اغلب بدون پشتوانه دقیق هستند و یا واقعیت فرهنگی جامعه‌سازگار نیستند. درعین حال، نباید از یاد برد که بخش بزرگی از سقط‌ها عمدی نیستند. تقریباً ۵۳ درصد سقط‌های برآوردشده در پژوهش ملی، خودبه‌خودی بوده‌اند؛ امری که می‌تواند ریشه در عوامل زیستی، بیماری‌ها، مشکلات ژنتیکی، فشار روانی، تغذیه نامناسب یا شرایط محیطی داشته‌باشد. اما این بخش نیز در سایه روایت‌های هیجانی درباره سقط‌عمدی گم می‌شود. بخش دیگری از سقط‌ها مربوط به سقط‌درمانی است که با مجوز قانونی انجام می‌شوند. پزشکی قانونی هر سال میان ۹ تا ۸ هزار مجوز صادر می‌کند و این روند طی چند سال تقریباً ثابت بوده‌است. اما حضور این رقم‌های دقیق و محدود در برابر اعداد نجومی اعلام‌شده از سوی برخی مسئولان، تناقضی آشکار ایجاد می‌کند و اعتبار کل نظام آماری را زیر سوال می‌برد.

روایت‌های «هر ۳۰ ثانیه یک سقط» واقعیت را تحریف می‌کنند

اخیراً عموم رسانه‌ها پدیده سقط‌جنین را تبدیل به موضوعی جذاب برای کلیک، تیتراژی تکان‌دهنده و عملیات روانی کرده‌اند. روایت‌هایی مانند «هر ۳۰ ثانیه یک سقط» یا «روزانه ۲۰۰۰ سقط» معمولاً بدون منبع مشخص منتشر می‌شوند و به‌سرعت در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌گردند. این روایت‌ها، علاوه بر آنکه واقعیت را تحریف می‌کنند، به شکستن قبح اجتماعی سقط‌جنین نیز کمک می‌کنند. وقتی یک پدیده به‌صورت اغراق‌آمیز ویی وقفه تکرار می‌شود، کم‌کم از حساسیت اخلاقی و فرهنگی آن کاسته می‌شود. در جامعه‌ای که سقط‌جنین امری ممنوع، غیراخلاقی و حتی غیرشرعی تلقی می‌شود، این فرایند می‌تواند آسیب‌زا باشد. در کنار این آسیب، آمارسازی‌های بدون پشتوانه، امنیت روانی جامعه را نیز تهدید می‌کند. در شرایطی که کشور با چالش جدی کاهش نرخ باروری و افزایش سرعت سالمندی مواجه است، انتشار اعداد تکان‌دهنده و غیرمنطقی درباره سقط‌جنین، احساس بحران را تشدید می‌کند، بی‌آنکه راه‌حلی ارائه دهد. در نهایت باید در نظر داشت که مسئله سقط‌جنین در ایران بیش از آنکه یک موضوع پزشکی یا اخلاقی صرف باشد، به یکی از مهم‌ترین نمودهای بحران حکمرانی داده تبدیل شده‌است. نبود یک سامانه ملی ثبت، نبود الزام قانونی برای ثبت سقط‌های خارج از بیمارستان، نبود ضمانت اجرایی برای گزارش‌دهی دقیق و نبود هماهنگی میان نهادهای مختلف باعث شده هر دستگاهی روایت خود را عرضه کند. نتیجه این شده که در حساس‌ترین موضوع جمعیتی کشور، هیچ‌کس نمی‌داند واقعاً چه اتفاقی در حال رخ دادن است.

حمله به جنگلبان آملی باز هم خلاءهای قانونی موجود در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست را یادآوری کرد

مدافعان منابع طبیعی، همچنان بی‌دفاع هستند

قوانین مربوط به جنگلبانی و محیط بان‌ی را شفاف‌کنند

درباره کمبود تجهیزات و جنگلبانان، براساس استانداردهای بین‌المللی به ازای هر ۱۰۰۰ هکتار جنگل، هر ۵۰۰ هکتار مرتع و هر ۱۰ هزار هکتار بیابان باید یک نیروی حفاظتی وجود داشته باشند. ایران ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت دارد که از این مقدار ۱۳۵ میلیون هکتار اراضی ملی و عرصه‌های منابع طبیعی، ۱۴٫۵ میلیون هکتار عرصه‌های جنگلی و ۸۵ میلیون هکتار مراتع هستند. به عبارتی ۸۲ درصد از مساحت کشور اراضی ملی و عرصه‌های منابع طبیعی هستند که مدیریت و حفاظت آن بر عهده یگان حفاظت منابع طبیعی کشور است. در چنین وضعیتی براساس استانداردهای جهانی به منظور رسیدن به یک وضعیت مطلوب برای عرصه‌های جنگلی نیازمند ۱۴ هزار و ۵۰۰ نفر نیروی حفاظتی هستیم. طبق گفته رضا اکبری، فرمانده سابق یگان حفاظت منابع طبیعی کشور در تاریخ فروردین ۱۴۰۲، بر اساس استانداردها جهانی، باید ۳۶ هزار نفر نیرو داشته باشیم؛ اما اکنون ۵۳۰ نفر نیروی حفاظتی داریم؛ یعنی برای هر ۲۶ هزار هکتار یک نیرو و این یعنی ما ۱۴ درصد استاندارد جهانی از منابع طبیعی کشور حفاظت می‌کنیم. همچنین بیش از ۷۰ درصد نیروهای حفاظتی معادل ۳۶۰۰ نفر شرکتی و مابقی رسمی و قراردادی و پیمانی هستند. نکته مورد تأمل این استس که برای نیروهای سازمانی و شرکتی، فرایند و قوانین خاصی وجود دارد. مثلاً براساس گفته این مقام مسایب قضایی نیروهای شرکتی جنگلبانی حق استفاده از سلاح را ندارند. متأسفانه مشاغلی مانند جنگلبانی و محیط‌بانی با محدودیت‌های قانونی مواجهند. قانون حمایت

تربیبون رسانه‌ای برای اراذل

علی موسوی پژوهشگر رسانه

در دنیای رسانه‌های امروز، جایی که مرز میان سرگرمی و مسئولیت اجتماعی اغلب محو می‌شود، برنامه «رک» با اجرای مجید واشقانی بار دیگر جنجال‌ساز شده‌است. این برنامه که ابتدا با دعوت از بازیگران و چهره‌های هنری مانند بهاره رهنما و پوریا پورسرخ آغاز به کار کرد، به‌تدریج به سمت گفت‌وگوهای سیاسی گرایش یافت و حالا با مصاحبه‌ای با «هانی گرده» – یکی از اشرار شناخته‌شده تهران باسابقه بازداشت‌های متعدد – مرزهای جلدیدی را جابه‌جا کرده‌است. این مصاحبه که به‌سرعت از یوتیوب حذف شد و برنامه اخطار دریافت کرد، سؤالاتی جدی درباره نقش رسانه‌ها در عادی‌سازی خشونت و سفیدشویی مجرمان مطرح می‌کند. هانی کرده که در پنج سال گذشته چهار بار بازداشت و آزاد شده و حتی تابستان امسال در عملیات پلیس علیه اشرار دستگیر گردید، در این برنامه با لحنی افتخارآمیز از زندگی‌اش به‌عنوان «بچه‌لات» سخن گفت. او از تغییرات زندان‌ها حرف زد؛ مانند فروش شرت هفتی صورتی و حتی با طعنه‌ای طلبکارانه، گلاب‌هایش را بیسان کرد. این تصویرسازی که او را نه به‌عنوان یک مجرم سابقه‌دار، بلکه به‌عنوان یک شخصیت «جذاب» و «رک» نشان می‌دهد، دقیقاً همان چیزی است که منتقدان آن را «سفیدشویی اراذل و اوباش» می‌نامند. اما چرا چنین برنامه‌ای ساخته می‌شود؟ آیا هدف صرفاً کسب بازدید و وایرال شدن است یا چیزی فراتر از آن؟ در منظر رسانه‌ای، این مصاحبه نمادی از روند نگران‌کننده‌ای در رسانه‌های ایرانی است. برنامه «رک» که ابتدا با مهمانان زرد هنری شروع شد، حالا به چهره‌های سیاسی مانند صادق زیباکلام، بیژن عبدالکریمی و مهدی مظهرنیا رسیده‌است. فارغ از حذف سریع برنامه که نشان‌دهنده فشارهای خارجی – شاید از سوی نیروهای انتظامی است – این اقدام می‌تواند خلاف‌کاران را جسورتر کند. وقتی یک مجرم با سابقه ضربه‌جوی، قاچوقشکی و تیراندازی تریبون می‌گیرد تا از اعمالش دفاع کند، پیام آن به جامعه چیست؟ آیا این کار خشونت را عادی‌سازی نمی‌کند و الگوی غلط برای جوانان هیجانی نمی‌سازد؟ سردار ارادان، فرمانده انتظامی کشور پیش‌تر هشدار داده بود مصاحبه با اراذل سطح یک در فضای مجازی، زحمات پلیس را زیرسوال می‌برد. او تأکید کرده بود پلیس کف خیابان به دنبال چنین افرادی است؛ اما رسانه‌ها آن‌ها را «ستاره» می‌کنند. این تناقض، جایی که هانی کرده پس از بازداشت سریع آزاد می‌شود و سپس جلوی دوربین می‌نشیند، سؤال برانگیز است. آیا رسانه‌ها در حال تبدیل شدن به ابزاری برای روایت‌های یک‌جانبه، بدون توجه به عواقب اجتماعی هستند؟ در نهایت، رسانه‌ها مسئولیت سنگینی دارند. برنامه‌هایی مانند «رک» نباید برای «هیت» یا بازدید، تریبون را به افرادی دهد که سابقه‌شان پر از خشونت است. اگر هدف اصلاح یا آسیب‌شناسی است، باید با نظارت کارشناسی و لحنی غیرافتخارآمیز باشد. این جنجال‌ها نشان می‌دهد جامعه نسبت به چنین محتوایی حساس است و شاید زمان آن رسیده که رسانه‌ها در رویکردشان تجدیدنظر کنند، پیش از آنکه وقاحت خلاف‌کاران بیشتر شود و اعتماد عمومی خدشه‌دار گردد.

محل تحویل اسناد:

قضای و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگلبانی، در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید تا از این افراد در برابر آسیب‌های ناشی از تعارضات احتمالی حمایت و خسارات مالی در قبال صدمات جانی و ضرر و زیان مالی آن‌ها در راستای انجام وظیفه را جبران کند.

پس از تصویب قانون حمایت‌بیمه‌ای قضایی نیروهای یگان حفاظت سازمان محیط‌زیست و جنگلبانی، این نیروها با محدودیت استفاده از سلاح سازمانی مواجه‌ش شدند که مشکلات فراوانی مانند ایجاد محدودیت در به‌کارگیری سلاح سازمانی توسط نیروهای در حین انجام مأموریت‌های محوله، جری‌شدن متخلفان شکار و صید پس از آگاهی از محدودیت ایجاد شده برای به‌کارگیری سلاح توسط محیط‌بانان، ایجاد ترس و نگرانی در نیروها برای استفاده از سلاح سازمانی در مواقع ضروری و ایجاد دلهره و نگرانی در خانواده نیروهای یگان حفاظت به دلیل ضعف قانونی در حمایت از نیروها پس از استفاده از سلاح سازمانی را در راستای اجرای وظایف و مأموریت‌های محوله یگان حفاظت ایجاد کرده‌است. اکنون تمام امیدها به اصلاحیه قانون «به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری» است. از آنجایی که محیط‌بانان و جنگل‌بانان ضابط قضایی محسوب می‌شوند، شرایط استفاده از سلاح طبق این قانون شامل حال آن‌ها خواهد شد. عدم شفافیت در استفاده از سلاح چه در دفاع از طبیعت و چه از منظر دفاع محیط‌بانان و جنگلبانان از خودشان، در سال‌های اخیر باعث جسارت بیشتر شکارچیان مسلح، افزایش حمل سلاح غیرمجاز در مناطق تحت حفاظت و بالا رفتن نرخ تخریب منابع زیست‌محیطی است. در واقع، قانون نه‌تنها مانعی برای جرم‌زدایی نیست، بلکه با نام‌ن کردن مأموریت‌های قانونی، به عامل بازدارنده برای اجرای وظایف قانونی بدل شده‌است.

 آگهی مزایده عمومی	
محل تحویل اسناد: آبادان، بلوار آیت...، طالقانی، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی اروند، ساختمان اداری، امور حقوقی دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار است. آدرس (جهت مراجعه و خرید و تحویل اسناد): آبادان – بلوار آیت...، طالقانی – دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی اروند – صندوق پستی ۶۶۶ تelfn: ۵۳۳۶۰۱۲۲ فاکس: ۵۳۳۶۰۱۱۱ موبایل: ۰۹۱۶۶۲۵۳۴۱۲ (کرم‌زاده) روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی اروند	

 فرهنگ‌یگان	
صدای نخبگان نگاه جوانان	
روزنامه فرهیختگان farhikhteganonline FARHIKHTEGAN 📰📑📧	

۶